

تحلیل مفهومی اشفاق در آیه ۲۶ سوره مبارکه طور با تأکید بر سلامت معنوی خانواده

درنا رحمانی^۱

سیدجعفرعلوی^۲

چکیده

اشفاق و ارتباط آن با سلامت معنوی خانواده از مباحث مهمی است که همواره مورد تأکید قرآن کریم و روایات بوده است. پژوهش حاضر با موضوع تحلیل مفهومی اشفاق در آیه ۲۶ سوره مبارکه طور، به واکاوی مفهوم واژه اشفاق و ارتباط با آن با خانواده می‌پردازد، زیرا اشفاق از مسائل مهمی است که می‌تواند در دستیابی و تقویت سلامت معنوی خانواده نقش بسزایی ایفا کند. این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای، تفاسیر مختلف آیه را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تفسیر آیه بین دو دیدگاه اصلی در نوسان است؛ گروهی با توجه به حرف «فی» در آیه، معنای توجه، عنایت، نگرانی و شفقت نسبت به خانواده و سلامت معنوی آنها را در نظر می‌گیرند و برخی دیگر اشفاق را به ترس و بیم از عذاب الهی در دنیا تفسیر نموده‌اند که در این مورد نیز سه دیدگاه مطرح است. **کلیدواژه:** اشفاق، دلسوز، بیمناک، خانواده.

۱. دانش پژوه سطح ۴، تفسیر تطبیقی، مدرسه علمیه الزهراء (ع)، بجنورد، rhmanydrna@gmail.com.

۲. استادیار گروه علوم فقه و اصول، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، alavi@razavi.ac.ir.

مقدمه

قرآن کریم چشمه فیاضی است که هدفی جز تربیت و هدایت انسان‌ها و رهنمون ساختن کاروان بشری به سرمنزل سعادت دنبال نمی‌کند. اهمیت تشکیل خانواده و شئون و اصول مربوط به آن در دین اسلام واضح‌تر است از آنکه نیازی به اثبات داشته باشد و همین اهمیت باعث شده است که خداوند جلّ شأنه در قرآن جملاتی نهایی و سازنده‌ترین مطالب را مطرح نمایند. قرآن به عنوان منبع اصلی و لایزال دین مبین اسلام؛ بر کارکرد انسانی و اجتماعی خانواده توجه داشته و دستوراتی نجات‌بخش و روشنگر در این باره فرود آورده است.

نهاد خانواده آن‌چنان از اهمیت بالا برخوردار است که محیط سالم یا ناسالم خانواده تأثیر بسیار عمیقی در سلامت معنوی خانواده و پرورش فضائل اخلاقی، یا رشد رذایل دارد؛ به گونه‌ای که باید سنگ زیربنای اخلاق انسان در آنجا نهاده شود. این چنین است که نه تنها پیامبر در سرزمین و خانواده آبرومندی متولد شد، بلکه پرورش و نمو و رشد او نیز، در محیطی مملو از کرامت و بزرگواری تحقق یافت.

در بررسی انجام شده در آیات قرآن کریم، در شصت و یک سوره به صورت مستقیم از خانواده و اصول اخلاقی آن و در برخی سوره‌ها هم به صورت غیرمستقیم نکاتی بیان شده است. در این میان، آیاتی از سوره مبارکه طور به گفتگوی بهشتیان با یکدیگر، پرداخته است. در ضمن این گفتگو از احوالات گذشته یکدیگر سؤال می‌کنند و بهشتیان در پاسخ می‌گویند: «إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِی أَهْلِنا مُشْفِقِینَ (طور: ۲۶)؛ ما در میان خانواده خود ترسان بودیم مبادا گناهان آنها دامن ما را بگیرد».

اینکه این آیه نیز می‌تواند، گویای اهمیت توجه به کانون خانواده و سلامت معنوی آن باشد یا این که ارتباطی به این مسئله ندارد، بحثی اختلافی بین مفسران است. برخی از این آیه اهمیت توجه به امر تربیت اعضای خانواده را استفاده کرده گفته‌اند؛ مراد از آیه مزبور این است که بهشتیان می‌گویند: ما در دنیا نسبت به خانواده خود اشفاق داشتیم هم آنان را دوست می‌داشتیم و به سعادت و نجاتشان از مهالک و ضلالت‌ها عنایت داشتیم و هم از اینکه مبادا گرفتار مهالک شوند می‌ترسیدیم و به همین منظور به بهترین وجه با آنان معاشرت می‌کردیم و نصیحت و دعوت به سوی حق را از ایشان دریغ نمی‌داشتیم (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۹، ص ۲۱؛ قرشی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱۰، ص ۳۷۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۴، ص ۳۵).

سؤال اصلی در پژوهش حاضر این است که اشفاق در آیه ۲۶ سوره مبارکه چه تحلیل مفهومی دارد؟ در پاسخ این سؤال می‌توان گفت عده‌ای از مفسران در ذیل این آیه بر مبحث خانواده و توجه به آن تأکید ورزیده‌اند اما تعدادی از مفسران نیز به بحث خدا ترسی و بیم از عذاب اشاره می‌کنند.

با توجه به مطالعات انجام داده شده درباره این موضوع، تحقیقاتی که به طور مشخص به این آیه مذکور بپردازند وجود ندارد، اما در بحث خانواده پژوهش‌های بی‌شماری انجام شده است؛ که به طور مختصر به آن اشاره می‌شود:

۱. مقاله «قرآن و اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده» (مهدوی کنی، ۱۳۹۲ ش) به اهمیت ویژه قرآن در تحکیم خانواده اشاره دارد که اصولی را برای حفظ حریم آن بیان می‌کند و برخی از آن‌ها از احکام حقوقی قابل استخراج هستند. یکی از این اصول، «توجه به نیازهای عاطفی» است که شفقت را به

عنوان یکی از این نیازها معرفی کرده و به طور کلی و گذرا به آن اشاره می‌کند، اما پژوهش حاضر به تحلیل مفهوم شفقت در آیه ۲۶ سوره مبارکه طور می‌پردازد و دو دیدگاه و نظریه موجود در این زمینه را با تأکید بر سلامت معنوی مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲. مقاله «بازشناسی مؤلفه‌های معنایی «إشفاق» در قرآن کریم با تکیه بر معناشناسی تاریخی» (کریمی و دیگران، ۱۳۹۹ش) به بررسی سیر تحولات معنایی واژه «إشفاق» با استفاده از روش معناشناسی تاریخی می‌پردازد تا مؤلفه‌های معنایی آن در قرآن کریم را شناسایی کند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که «إشفاق» شامل دو مؤلفه معنایی کلیدی، یعنی «ترس» و «کمبود» است. با این حال، ارتباط این مفهوم با مباحث مربوط به خانواده در آیات قرآن به طور خاص مورد توجه قرار نگرفته است.

۳. مقاله «جایگاه و نقش محبت در خانواده اسلامی ایرانی و راه‌های ایجاد آن» (سلیمی افجانی و میردریکوندی، ۱۴۰۱ش) با هدف بررسی جایگاه و آثار محبت در خانواده، راهکارهایی جهت ایجاد آن در خانواده بیان می‌دارد مانند سخن محبت آمیز، توجه نمودن، مورد تفقد قرار دادن و چشم‌پوشی از خطا و.... که شفقت و رابطه آن با ایجاد محبت در خانواده مورد بررسی و توجه قرار نداده است.

در این مقاله حاضر تلاش شده است که بعد از تعاریف نظری بحث اشفاق و کاربرد آن در قرآن و روایات، مراد از اشفاق در آیه ۲۶ سوره مبارکه طور را با تأکید بر سلامت معنوی خانواده براساس دو دیدگاه مطرح شده بیان نماید.

مبانی نظری تحقیق

۱. مفهوم اشفاق

با بررسی نظرات و دیدگاه‌های لغت‌شناسان، درمجموع با سه نظریه، راجع به معنای لغوی این ماده مواجه می‌شویم:

«اشفاق» به معنای هراسان بودن است و واژه «مُشفق» به فردی اطلاق می‌شود که دچار هراس است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۴۴). اگر این هراس ناشی از اختیار و به دلیل خوف از پروردگار باشد، صفت نیکو و پسندیده‌ای برای افراد باایمان به شمار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۸۳)، اما اگر هراس ناشی از قهرکافران و در نتیجه مشاهده نشانه‌های عذاب باشد، دیگر صفت نیکی محسوب نمی‌شود. قرآن به هر دو نوع هراس اشاره کرده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۴۵).

همچنین به نور ضعیفی که قبل از طلوع آفتاب و نیز بعد از غروب آن در کرانه‌های زمین دیده می‌شود، شَفَق گفته می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۴۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۹۸). نظرات لغویان در این باره در ذیل آورده می‌شود:

(۱) شفق به معنی خوف و ترس نسبت به چیزی

شفقت؛ یعنی نصیحت کننده باید بتواند از ترس نصیحت شونده به اخلاص برسد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۵۵). اشْفَقْتُ مِنْ كَذَا: حذَرْتُ؛ از چنین چیزی ترسیدم (فیومی، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۱۶۶؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۵، ص ۱۹۳).

۲) شفق به معنی دلسوزی و عطوفت

ماده شفق، اصل واحدی است که بر لطافتی در چیزی دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۳۹۹ ق، ص ۵۰۸).

در کتاب التحقیق آمده است: «انّ الاصل الواحد فی هذه المادة هو امرٌ جامعٌ بین الرخوه والدقه والضعف فی مقابل الشده والغلظه والقوه مادياً کان او معنوياً؛ اصل واحد در این ماده، امری جامع است که بین نرمش و دقت و ضعف در مقابل شدت و خشونت و قدرت، چه به صورت مادی و چه معنوی، قرار دارد» (مصطفوی، ۱۴۱۶ ق، ج ۶، ص ۱۰۵)، اما این واژه به معنای ترس استفاده نمی‌شود؛ زیرا ترس مربوط به انتظار وقوع ضرر است و پس از اینکه ضرر اتفاق افتاد، دیگر کاربردی ندارد (همان)، مانند آیه «فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ» (کهف: ۴۹). خشیت به معنای مراقبت همراه با ترس است و از ترس قوی‌تر به شمار می‌رود. بنابراین، به کار بردن واژه «اشفاق» در اینجا به جای «خشیت» نادرست است همان‌گونه که در آیه «وَهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ» (انبیاء: ۲۸) آمده است (مصطفوی، همان).

برای جمع بندی معانی که بیان شد، می‌توان گفت، اشفاق توجه و عنایتی که با خوف و بیم همراه است، زیرا مشفق کسی است که مورد عنایت و توجه خود را دوست می‌دارد و از آنچه را که به او می‌رسد بیمناک است. این واژه اگر با حرف جر «من» متعدی شود معنای خوف و ترس در آن آشکارتر است و اگر با «فی» متعدی شود معنای توجه و عنایت در آن روشن‌تر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۳۴۶).

به منظور فهم دقیق‌تر معنای این واژه، می‌توان قرائن دیگری را هم ملاحظه کرد.

به عنوان مثال، توجه به واژگان متضاد یا کاربردهای این واژه در سایر آیات قرآن و متون روایی و دعایی برای روشن شدن مطلب مفید است، لذا در ادامه به بررسی این مهم پرداخته می‌شود.

۲. واژگان متضاد

یکی از راه‌های شناخت واژه‌ها، شناخت اضداد کلمات است. در مورد نقطه مقابل شفق و کلمه ضد آن نیز اختلاف است:

(۱) بعضی آن را ضد رجاء دانسته‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۶۹).

(۲) برخی شفقت را مقابل غلظت می‌دانند (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۲۵۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۴۱۰).

به نظر می‌رسد دو معنای ضدی که از سوی لغت شناسان مطرح شده است، متناظر با همان دو معنای اولی است که برای واژه «اشفاق» گفته‌اند؛ لذا این معانی تنها همان دو معنا را تأیید و تثبیت می‌کنند.

۳. کاربرد مشتقات شفق در قرآن

«اشفاق» یکی از واژه‌های پرکاربرد در حوزه معنایی ترس در قرآن کریم به شمار می‌آید. با این حال، بررسی منابع لغوی و تفسیری نشان می‌دهد که هنوز شناخت کافی از مؤلفه‌های معنایی این واژه و تفاوت‌های آن با واژه‌های نزدیک به معنای آن، همچون «خوف» و «خشیت»، وجود ندارد. ماده شفق به همراه مشتقاتش ۱۱ بار در قرآن ذکر شده که ۸ بار با حرف جر «من» متعدی شده است. نمونه‌ای از آیات:

- «تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ» (شوری: ۲۲)؛ [در قیامت] ستمگران را از آنچه انجام داده‌اند، هراسناک می‌بینی و [جزای عملشان] به آنان خواهد رسید و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغ‌های بهشت‌اند. آنچه را بخواهند نزد پروردگارشان خواهند داشت؛ این است همان فضل عظیم.

براساس این آیه اشفاق خوف از وقوع امری است و پیشامد سویی و از این جمله استفاده می‌شود که کفار و مشرکین و ارباب ضلالت یقین به مسلك و طریقه خود ندارند و احتمال حقیقت اسلام را هم می‌دهند چنان چه صریح بسیاری از آیات است.

- «وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (کهف: ۴۹)؛ و کارنامه [عمل شما در میان] نهاده می‌شود، آنگاه بزهکاران را از آنچه در آن است بیمناک می‌بینی و می‌گویند: «ای وای بر ما، این چه نامه‌ای است که هیچ [کار] کوچک و بزرگی را فرونگذاشته، جز اینکه همه را به حساب آورده است»، و آنچه را انجام داده‌اند حاضر یابند و پروردگار توبه هیچ کس ستم روا نمی‌دارد.

جمله «فترى المجرمين مشفقين مما فيه» در آیه فرع بر وضع کتاب واقع شده است و همچنین ذکر اشفاق آنان خود دلیل بر این است که مقصود از کتاب، کتاب اعمال و یا کتابی که اعمال در آن ثبت شده است؛ و اگر از آنان به «مجرم» تعبیر کرده برای اشاره به علت حکم بوده و اشفاق شان از آن حالی که به خود

گرفته‌اند به خاطراین است که مجرم بودند (طباطبایی، ۱۳۵۲ ش، ج ۱۳، ص ۳۲۴). بنابراین، این وضعیت خاص به آن‌ها محدود نیست؛ هر فردی که در هر زمان مرتکب جرم شود، حتی اگر مشرک نباشد، چنین سرنوشتی را تجربه خواهد کرد.

- «وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ» (معارج: ۲۷)؛ و آنان که از عذاب پروردگارشان بیمناک‌اند.

با توجه به این آیه شریفه یا نشانه خوف آن، اجتناب از محرمات است یا خوف ایشان به جهت عدم قبول حسنات و مؤاخذة سیئات است (طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۰، ص ۵۳۵).

- «إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ» (مؤمنون: ۵۷)؛ همانا آن مؤمنانی که از خوف خدا ترسان و هراسانند.

توجه به این نکته مهم است که «خَشِيتُ» ترس برخاسته از عظمت و شناخت است و «اشفاق» ترسی است که با محبت و احترام آمیخته باشد. خشیت، بیشتر جنبه‌ی قلبی دارد و اشفاق جنبه‌ی عملی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۴، ص ۲۶۳).

- «الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ» (انبیاء: ۴۹)؛ [همان] کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند و از قیامت هراسناک‌اند.

در واقع، پرهیزکاران به روز قیامت بسیار علاقه‌مندند؛ زیرا آن روز محل پاداش و رحمت الهی است، اما در عین حال از حساب و کتاب خداوند نیز نگران هستند (مکارم شیرازی، ج ۱۳، ص ۴۲۵).

- «يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ. وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ

مُشْفِقُونَ» (انبیاء: ۲۸)؛ آنچه فراروی آنان و آنچه پشت سرشان است می‌داند و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد، شفاعت نمی‌کنند و خود از بیم او هراسانند. براساس این آیه می‌توان گفت که مقصود از این «خشیت» ترس از سخط و عذاب خدا است، اما ترسی که توأم با امن از آن باشد، چون ملائکه گناهی ندارند (طباطبایی، ۱۳۵۲ ش، ج ۱۴، ص ۲۷۷) و چنان چه گفته شد «خشیت» به معنای ترس از عظمت الهی است، ترسی که با تعظیم و احترام همراه باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۳، ص ۲۹۱).

بنابراین، نگرانی آن‌ها از خداوند به گونه‌ای نیست که شبیه ترس انسان از یک واقعه هولناک باشد. همچنین، «اشفاق» آن‌ها نیز مانند هراس انسان از یک موجود خطرناک نیست؛ بلکه ترس و اشفاق آن‌ها ترکیبی از احترام، توجه، محبت، شناخت و احساس مسئولیت است.

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب: ۷۲)؛ ما بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌های عالم (وقوای عالی و دانی ممکنات) عرض امانت کردیم (و به آن‌ها نور معرفت و طاعت و عشق و محبت کامل حق یا بار تکلیف یا نماز و طهارت یا مقام خلافت و ولایت و امامت را ارائه دادیم) همه از تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند و انسان (ناتوان) آن را پذیرفت، انسان هم (در مقام آزمایش و اداء امانت) بسیار ستمکار و نادان بود (که اکثر به راه جهل و عصیان شتافت).

آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها، علی‌رغم عظمت حجمی، ثقل قابل توجه و قدرت چشمگیرشان، فاقد استعداد لازم برای حمل ولایت الهی هستند. امتناع و اشفاق آن‌ها از پذیرش این امانت، نشان‌دهنده عدم ظرفیت ذاتی آن‌هاست. در مقابل،



انسان که به عنوان موجودی «ظلم و جهول» توصیف شده، نه تنها از پذیرش این مسئولیت سرباز نزد، بلکه بدون توجه به سنگینی و خطرات عظیم آن، آن را پذیرفت. این پذیرش منجر به تقسیم بندی نوع انسان، به عنوان یک حقیقت واحد، به سه گروه منافق، مشرک و مؤمن شده است. و آسمان و زمین و کوه ها دارای این سه قسم نباشند، بلکه همه مطیع و مؤمن باشند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۵۲ش، ج ۱۶، ص ۳۴۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۷، ص ۴۵۱).

در جمع بندی این بحث می توان گفت، ماده شفق ۸ بار در قرآن همراه حرف جر (من) آمده است که در همه این موارد شفق به بیم و ترس ترجمه شده است؛ و در مجموع آیات قرآن فقط یک بار با حرف جر (فی) متعدی شده که آیه مورد بحث ماست.

۴. شفق در روایات و متون دعایی

یکی از مشتقات این ماده، واژه «شفیق» است که در متون روایی و دعایی هم صفت برای خداوند متعال قرار گرفته است و هم صفت برای امام، قرآن و هم صفت برای مؤمنین و دوستان خوب:

الف) شفیق یکی از اوصاف الهی

اسماء الهی در سلسله مراتبی قرار دارند که براساس ارتباط آن ها با ذات یا افعال خداوند تعیین می شود. اسمایی که به ذات الهی مرتبط هستند، از جایگاه والاتری نسبت به اسمای مرتبط با افعال برخوردارند. علاوه بر این، در میان خود اسماء نیز سلسله مراتبی وجود دارد. برخی از این اسماء دارای گستره وسیع تری

هستند، در حالی که برخی دیگر جنبه‌های جزئی‌تری را در بر می‌گیرند. این تفاوت در گستره و محدودیت اسماء، ناشی از تفاوت در وسعت وجودی و همچنین تأثیرات متفاوت آن‌ها در عالم هستی است (جوادی آملی، ۱۳۹۹ ش، ص ۲۴۴). در تعبیر ذیل شفیق به عنوان یکی از اوصاف الهی به کار رفته است: - یا شفیقُ یا رفیقُ فکُنْ من حلقِ المضیق (موسوی کلانتری دامغانی، ۱۳۷۸ ش، دعای مشلول، ص ۱۲۶)؛ ای مهربان، ای دوست از بندهای تنگناها رهایم کن. - سبحانک یا شفیقُ تعالیت یا رفیقُ اجرنا من النار یا مجیر (همان، دعای مجیر، ص ۱۳۴)؛ منزهی ای مهربان؛ بلندمرتبه هستی ای همراه؛ ما را از آتش پناه ده. - یا شفیق من لا شفیق له (همان، دعای جوشن کبیر، ص ۱۵۶)؛ ای مهربانی که یار مهربانی برای او نیست. - یا شفیقُ یا رفیقُ فرج عنی المضیق (همان، اعمال مسجد کوفه [نماز در مقام نوح]، ص ۶۵۴)؛ ای مهربان ای دوست تنگنایی را از من گشایش ده.

ب) شفیق صفت امام

در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است: «فی صفت الامام... الامامُ الانیسُ الرفیقُ و الوالدُ الشفیقُ والاخُ الشقیق...» (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۲۰۰؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ص ۹۸)؛ امام همدم و رفیق است و پدر مهربان و برادر همسان... از این روایت به دست می‌آید که امام انس رفیق و شفقت پدر و همراهی برادر و خوبی مادر به فرزند کوچک را دارد و امام در دانش، کمال و زیبایی، بی‌همتاست و کسی نمی‌تواند جای او را بگیرد. همه این ویژگی‌ها به او بخشیده شده تا بتواند انسان‌ها را رهبری کند و ولایت آنها را بر عهده بگیرد. این مقام بدون درخواست یا

تلاش خاصی از سوی امام، به او عطا شده است (صفائی حائری، ۱۴۰۲ ش، ص ۴۷). بنابراین امام به عنوان رفیق، پدر، برادر و مادر، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که او را در رهبری و ولایت انسان‌ها بی‌همتا می‌سازد.

ج) شفیق صفت برای مؤمنان

در روایتی از امام علی علیه السلام ذکر شده که فرمودند: «انَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ (آمدی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۵۶۵)؛ همانا مؤمنان مهربان‌اند». از کاربرد این واژه در روایت و معانی گفته شده برای مشفقون می‌توان گفت: این‌که پرهیزگاران نفس خویش را به قصور متهم می‌کنند و از اعمال خود بیمناک‌اند به سبب شک و بدبینی است که نسبت به توهّمات و تلقین‌های نفس خویش دارند.

د) شفیق صفت دوستان خوب

دو دوست پس از این‌که با یکدیگر رابطه صمیمانه دوستی برقرار نمودند کم‌کم نسبت به هم انس پیدا می‌کنند تا آنجا که ناراحتی و غم یکی، سبب ناراحتی دیگری می‌شود. دلیل آن هم این است که رابطه دوستی، نوعی ارتباط عاطفی و روحی با یکدیگر است و این رابطه سبب می‌شود تا دوستان در غم و شادی هم شریک باشند و از همین روی، در مشکلات و سختی‌ها نیز به کمک یکدیگر بشتابند. در این راستا روایتی از امام علی علیه السلام آمده است که فرمودند: «مَنْ دَعَاكَ إِلَى الدَّارِ الْبَاقِيَةِ وَأَعَانَكَ عَلَى الْعَمَلِ لَهَا فَهُوَ الصَّدِيقُ الشَّفِيقُ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ش، ص ۴۳۷؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۶۳۷)؛ آن کسی که تورا

به سرای آخرت فراخواند و در عمل کردن برای آن تورا یاد می‌کند دوست مهربان است». در این تعبیر شریف شفیق، صفت دوستان خوب معرفی شده است. روایت ذیل نیز همین مطلب را می‌رساند:

«إِنَّمَا سَمِيَ الرَّفِيقُ رَفِيقًا لِأَنَّهُ يَرْفُقُكَ عَلَى صَلاَحِ دِينِكَ، فَتَنُ أَعَانَكَ عَلَى صَلاَحِ دِينِكَ فَهُوَ الرَّفِيقُ الشَّفِيقُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۴۲۴)؛ رفیق را رفیق گفته‌اند چون در سامان دادن دینت تورا همراهی می‌کند پس هر که در سامان دادن دینت تورا یاری کرد او رفیق شفیق است. بنابراین، هر کس در راه دین به انسان کمک کند، رفیق شفیق محسوب می‌شود.

۵) شفیق، لقب قرآن

در برخی آموزه‌های دینی، شفیق، لقب قرآن قرار گرفته است. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «استفتحوا بکتاب الله فاتته امام مشفق وهادٍ مرشد ... (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۲۴۱)؛ از کتاب خدا گشایش بخواهید که او پیشوایی مهربان و راهنمایی راه‌دان است».

از این روی می‌توان گفت: قرآن کتاب هدایت و دور کردن انسان از هر خوی زشت و ادب جاهلی است که بشر را به بهترین و معتدل‌ترین راه راهنمایی کرده است. کتاب رحمت و مهربانی و آیاتی برای بینا شدن است.

با توجه به استعمالات این ماده و قرائن موجود در این موارد، به نظر می‌رسد اصل معنای «شفیق» مهربانی همراه با دلسوزی است؛ به عبارت دیگر کسی که به شخصی علاقه‌مند است و این علاقه موجب می‌شود نسبت به خطرات که متوجه اوست، نگران باشد. لذا مهربانی و خوف هر دو در این واژه وجود دارد. البته زمانی



که این ماده به خدای تعالی نسبت داده می‌شود، معنای آن این است که خدای تعالی به بندگان خود مهربان بوده و نسبت به خطراتی که بنده را تهدید می‌کند، هشدار می‌دهد.

بدین ترتیب، «مشفق» کسی است که اولاً طرف مقابل را دوست دارد و ثانیاً نسبت به خطراتی که وی را تهدید می‌کند، نگران است.

۵. مراد از اشفاق در آیه ۲۶ سوره مبارکه طور

مفسران واژه «مشفقین» در آیه شریفه را متفاوت معنا کرده‌اند. این نظرات را می‌توان در مجموع به دو معنای کلی برگرداند:

(۱) برخی از مفسران «اشفاق» در آیه ۲۶ سوره طور را به معنی نگرانی نسبت به خانواده و دغدغه مندی نسبت به آن‌ها تفسیر کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۹، ص ۲۱؛ قرشی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱۰، ص ۳۷۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۴، ص ۳۵).

علامه طباطبائی رحمته‌الله در ذیل آیه «إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ» (طور: ۲۶) می‌فرماید: «یعنی ما در دنیا نسبت به خانواده خود اشفاق داشتیم، هم آنان را دوست می‌داشتیم و به سعادت و نجاتشان از مهالک و ضلالت‌ها عنایت داشتیم و هم از اینکه مبدا گرفتار مهالک شوند می‌ترسیدیم و به همین منظور به بهترین وجه با آنان معاشرت می‌کردیم و نصیحت و دعوت به سوی حق را از ایشان دریغ نمی‌داشتیم» (طباطبائی، ۱۳۵۲ ش، ج ۱۹، ص ۲۱). ایشان مفهوم «اشفاق» را در زمینه روابط خانوادگی و سلامت معنوی به شکل جامعی توضیح می‌دهند که شامل موارد زیر است:

۱. محبت و دوستی: اشفاق شامل عشق و علاقه عمیق نسبت به اعضای خانواده است.
 ۲. توجه به سعادت و نجات: مؤمنان نسبت به رستگاری و سعادت اخروی خانواده خود حساس هستند.
 ۳. نگرانی از خطرات و گمراهی‌ها: اشفاق همچنین شامل ترس و نگرانی از احتمال گرفتار شدن خانواده در دام‌های اخلاقی و معنوی است.
 ۴. معاشرت نیکو: این حس منجر به رفتار و تعامل مطلوب با اعضای خانواده می‌شود.
 ۵. نصیحت و هدایت: اشفاق باعث می‌شود که فرد از نصیحت و راهنمایی خانواده خود به سوی حق دریغ نکند.
 ۶. دعوت به سوی حق: مؤمنان با اشفاق، خانواده خود را به سمت حقیقت و راه درست دعوت می‌کنند.
- با توجه به آنچه گفته شد، اهمیت اشفاق در ایجاد محیط خانوادگی سالم و معنوی روشن می‌شود. این مفهوم ترکیبی از عشق، مسئولیت و هدایت معنوی است که نقش مهمی در تربیت و رشد اخلاقی و سلامت معنوی خانواده ایفا می‌کند.
- پیامبر گرامی اسلام ﷺ در حدیثی می‌فرمایند: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي» (نهج الفصاحه، حدیث ۱۵۲۰)؛ بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهتر باشد، و من از همه شما برای خانواده‌ام بهترم». حضرت در این حدیث نه تنها اهمیت شفقت در خانواده را نشان می‌دهد، بلکه راهکاری عملی برای ارتقای سلامت معنوی خانواده ارائه می‌نماید. با عمل به این توصیه، خانواده‌ها



می‌توانند محیطی سرشار از معنویت، اخلاق و آرامش ایجاد کنند.

با این توضیح که، خصوصیت اشفاق در میان اعضای خانواده، خانواده را به کانونی تبدیل می‌کند که به واسطه مهر و همدلی میان اعضایش، می‌تواند نقش مؤثری در پرورش روحی و اخلاقی ایفا کند. راهنمایی، مباحثه، و هشدار دادن نسبت به رفتارهای ناپسند، همگی از پیامدهای این حس دلسوزی و نگرانی متقابل در محیط خانواده هستند. به همین سبب، خانواده به عنوان مطلوب‌ترین بستر برای رشد و ارتقای معنوی افراد شناخته می‌شود. این ویژگی‌ها به ایجاد فضایی امن و حمایت‌گر کمک می‌کنند که در آن، اعضای خانواده می‌توانند به رشد معنوی و اخلاقی یکدیگریاری رسانند. چنین محیطی، زمینه‌ساز تقویت ارزش‌های اخلاقی، درک متقابل، و پرورش فضایل معنوی می‌شود، که همگی برای دستیابی به سلامت معنوی خانواده ضروری هستند.

این مطلب از آیه «قوا انفسکم واهلیکم نارا» (تحریم: ۶) نیز قابل استفاده است. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه می‌نویسند:

خداوند در این آیات، مؤمنان را به حفظ خود و خانواده‌شان از آتش جهنم فرا می‌خواند. نگهداری خانواده از طریق تعلیم و تربیت صحیح، امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد محیطی پاک و عاری از آلودگی در خانه صورت می‌گیرد. این برنامه باید از ابتدای تشکیل خانواده آغاز شود و در تمام مراحل زندگی با دقت پیگیری گردد. تأمین نیازهای مادی خانواده کافی نیست؛ سلامت روحی و معنوی اعضای خانواده اهمیت بیشتری دارد. تعبیر «قوا» (نگهدارید) نشان می‌دهد که بدون مراقبت، خانواده به سمت گمراهی می‌رود و وظیفه مؤمنان حفظ آنها از سقوط معنوی است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۴،

ص ۲۸۷).

این دستورات مستقیماً با سلامت معنوی خانواده مرتبط است، زیرا برای ایجاد محیطی سالم، آموزش ارزش‌های اخلاقی، و پرورش روحی و معنوی اعضای خانواده تأکید دارد.

به نظر می‌رسد این نظریه بیشتر متأثر از معنایی است که راغب اصفهانی در مفردات برای «اشفاق» گفته است. چه این که براساس نظر وی، این واژه اگر با حرف «من» متعدی شود معنای خوف و ترس در آن آشکارتر است و اگر با «فی» متعدی شود معنای توجه و عنایت در آن روشن‌تر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۹). اینجا نیز واژه مزبور با حرف «فی» متعدی شده است.

۲) گروه دیگری از مفسران اشفاق در این آیه را به معنی ترس و بیم از عذاب الهی تفسیر کرده‌اند:

در این باره ابن عاشور آورده است؛ «اشفاق توقع المكروه وهذا التوقع متفاوت عند المتسايلين بحسب تفاوت ما يوجب من التقصير في اداء حق التكليف او من العصيان (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۶۹)؛ اشفاق به معنای انتظار امر مکروه است و این انتظار به حسب افراد متفاوت است و این تفاوت از کوتاهی یا عدم کوتاهی افراد در اداء حق و تکلیف ناشی می‌شود».

واژه «اشفاق» چنان چه برخی از لغت‌شناسان می‌گویند؛ به معنای توجهی آمیخته با نگرانی است؛ چون مشفق نسبت به کسی که به او اشفاق دارد، هم محبت دارد و هم می‌ترسد که مبادا بلایی متوجه او گردد، از این رو در تعبیر «فی اهلنا مشفقین» گفته‌اند: «فی قلق الانسان المؤمن واشفاقه علی نفسه و خوفه من التقصير في عمله امام ربه (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۱، ص ۲۴۰)؛ انسان مؤمن از

کوتهای و تقصیر در عمل در مقابل خدا در اضطراب به سر می برد و از آن می ترسد».

در برخی تفاسیر آمده که برخی بهشتیان از یکدیگر می پرسند شما در دنیا چه کارهایی انجام دادید که با آن استحقاق رسیدن به این پاداش نیک و بودن در بهشت دست یابید؟ آنان در پاسخ گویند یکی از صفات حمیده ما این بود که ما در دنیا در حالی که با اهل دنیا معاشرت داشتیم در دل از عذاب خدا ترسناک بودیم (امین، ۱۳۶۱ ش، ج ۱۲، ص ۳۵۰).

علامه طبرسی نیز در ذیل آیه مذکور می فرماید: «بهشتیان در جواب می گویند: ما در دار تکلیف (دنیا) از عذاب خدا می ترسیدیم، و قلبمان نازک بود، زیرا اشفاق بمعنی رقت قلب است، در موردی که انسان از چیزی بترسد، و شفقت ضد غلظت و اصل آن ناشی از ضعف است. منظور از «اهل» نیز افرادی هستند که از نزدیکان بوده و به کسی وابستگی دارد» (طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲۳، ص ۳۵۳). در همین رابطه برخی از تفاسیر نوشته اند: «اتقینا الله فی دار الدنيا خوفاً من غضبه و طمعاً فی ثوابه (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۷ ص ۱۶۵؛ و.ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۸، ص ۲۱۲)؛ در دار دنیا از خدا پروا داشتیم به خاطر ترس از غضب و امید به پاداش او» که بر همان معنای گفته شده اشاره دارد.

خدای تعالی در قرآن کریم، در وصف کسی که نامه اعمالش را از پشت سرش می دهند، می فرماید: «إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (انشقاق: ۱۳)؛ به عبارت دیگر شادمانی در بین خانواده (همراه با غفلت)، ویژگی کسانی است که در آخرت، از جهنمیان محسوب می شوند. لذا نقطه مقابل این ویژگی این است که فرد، در دنیا و در میان خانواده خویش به جای سرور و سرمستی، نگران خویش باشد. براین

اساس معنای آیه مورد بحث «انا کنا فی اهلنا مشفقین» همان دلسوزی نسبت به خود و نگران آینده خود بودن است که با این نظریه دوم سازگار خواهد بود. براین اساس، گرچه توجه به خانواده و نگران تربیت آن‌ها بودن یک ضرورت بوده و از آیات دیگری مانند «قوا انفسکم واهلیکم نارا» قابل استفاده است که توضیح آن گذشت. مؤید این قول فرمایش سید محمدتقی مدرسی در تفسیر شریف من هدی القرآن است که می‌فرماید:

«وربما تقابل کلمه المشفقین فی هذه الآية کلمه مسرور التي جاءت (أنه کان فی اهله مسروراً). و اشفاق المتقین لیس لاثمهم لا یعملون بطاعه الله و انما لایمانهم الراسخ بان العمل وحده لایدخلهم الجنة ولا یخلصهم من العذاب (مدرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱۴، ص ۱۱۱)؛ چه بسا کلمه (مشفقین) در این در تقابل با کلمه (مسرور) در آیه (أنه کان فی اهله مسروراً) باشد. اشفاق مؤمنان به این دلیل نیست که آن‌ها اهل طاعت نبودند بلکه به خاطر ایمان راسخ آن‌ها به اینکه عمل به تنهایی موجب ورود آن‌ها به بهشت و نجات آن‌ها از عذاب نمی‌شود». براین اساس، معنای آیه ترس از عذاب الهی در دنیا است.

نظراً اغلب مفسران در تفسیر آیه «۲۶ سوره مبارکه طور» این است که ما در میان خانواده خود (که شاید غرق در زندگی مادی خویش بودند)، افرادی خداترس بودیم؛ یعنی در زندگی دنیایی خود و در میان دنیا دوستان نیز از عذاب آخرت ترس داشتیم؛ برخی دیگر می‌گویند: اشفاق به معنای توجه آمیخته با نگرانی است؛ چون مشفق نسبت به کسی که به او اشفاق دارد، هم محبت دارد و هم می‌ترسد که مبادا بلایی متوجه او و اطرافیانش گردد. دیدگاه سوم نیز در مقصود

هست که می‌گویید: با این که در میان خانواده خود زندگی می‌کردیم و طبیعتاً باید احساس امنیت می‌کردیم، باز ترسان بودیم و از این بیم داشتیم که حوادث ناگوار زندگی و عذاب الهی هر لحظه فرارسد و دامن ما را فروگیرد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به بررسی تحلیل مفهومی واژه «اشفاق» در آیه ۲۶ سوره مبارکه طور با تأکید بر سلامت معنوی خانواده پرداخته شد. با توجه به بررسی واژه «اشفاق» روشن شد که این واژه به معنای توجه آمیخته با نگرانی و محبت است که این مفهوم نشان‌دهنده ترس از عذاب الهی است. نسبت به این آیه دو دیدگاه مطرح است، برخی مفسران معتقدند که آیه بیان‌گر حالت خداترسی و محبت نسبت به خانواده است و فرد در زندگی دنیوی خود نسبت به سلامت معنوی و سرنوشت آنان نگران و دغدغه‌مند است. بر این اساس هر زمان واژه «اشفاق» با «فی» متعدی شود، معنای «فی» از ظرفیت خارج شده و تنها توجه و عنایت نسبت به مجرور «فی» را می‌رساند، یا اینکه همچنان می‌تواند همان معنای ظرفیت را داشته باشد؟! احتمال معنای ظرفیت برای «فی» در آیه شریفه اولاً بسیار محتمل است و ثانیاً همان گونه که برخی گفته‌اند، در برخی آیات دیگر مؤید نیز دارد.

در مقابل این دیدگاه، برخی دیگر از مفسرین آن را به ترس از عذاب الهی در دنیا معنا کرده‌اند. فرد، در دنیا و در میان خانواده خویش به جای سرور و سرمستی، نگران خویش و آینده خویش باشد. برخی در این زمینه می‌گویند فرد از

اینکه مبادا بلایی متوجه او و اطرافیانش گردد، می‌ترسد و گروه سوم براین باورند که فرد با اینکه در میان خانواده بوده و طبیعتاً باید احساس امنیت می‌کرده اما از عذاب الهی که بر او نازل شود، در ترس و نگرانی بودند.



فهرست منابع

*قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير والتنوير، بيروت: مؤسسه التاريخ، ۱۴۲۰ق.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاييس اللغة، بيروت: دارالفكر، ۱۳۹۹ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۴. امين، سيده نصرت، مخزن العرفان در تفسير قرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ش.
۵. آلوسی، سيد محمود، روح المعانی فی تفسير القرآن العظيم، بيروت، دارالکتب العلميه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۶. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، تحقيق السيد مهدي الرجائي، قم، مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۹ق.
۷. جوادى آملی، عبدالله، توحيد در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۹۹ش.
۸. راغب اصفهانی، حسين بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقيق صفوان عدنان داوودی، دمشق: دارالقلم؛ بيروت: الدارالشاميه، ۱۴۱۶ق.
۹. سليمى افجانی، محمدرضا و ميردريکوندى، رحيم، جاىگاه و نقش محبت در خانواده اسلامى ايرانى و راههاى ايجاد آن، مجله معرفت، اسفند ۱۴۰۱ش.
۱۰. صفائى حائرى، على، وارثان عاشوراء، قم: ليله القدر، ۱۴۰۲ش.
۱۱. طباطبايى، محمد حسين، ترجمه تفسير الميزان، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۳۷۴ش.
۱۲. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان، بيروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق.
۱۳. طوسى، محمد بن حسن، الامالى، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۱۴. طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث

العربی، ۱۴۰۹ ق.

۱۵. فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ ق.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قاهره: دارالمعارف، ۱۳۹۷ ق.
۱۸. قرشی، سیدعلی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بعثت، ۱۳۷۷ ش.
۱۹. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، مترجم: حجه الاسلام موسوی کلانتری دامغانی، مصحح: حسین استادولی، چاپ دوم، قم: انتشارات شهریور با همکاری نشرتابان، ۱۳۷۸ ش.
۲۰. کریمی، محمود؛ شیرزاد، محمدحسن، شیرزاد، محمدحسین، بازشناسی مؤلفه‌های معنایی «إشفاق» در قرآن کریم با تکیه بر معناشناسی تاریخی پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، سال نهم، شماره ۲، ۱۳۹۹ ش.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۲۲. مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین، ۱۳۷۷ ش.
۲۳. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت ارشاد، ۱۴۱۶ ق.
۲۴. مهدوی کنی، صدیق، قرآن و اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده، نشریه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۵۸، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش.
۲۵. مغنیه، محمدجواد، تفسیرالکاشف، تهران: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.



Conceptual Analysis of “Ishfaq” in Verse 26 of Surah At-Tur with Emphasis on Family Spiritual Health

Dorna Rahmani¹
Seyed Jafar Alavi²

Abstract

“Ishfaq” and its connection to family spiritual health is an important topic that has always been emphasized in the Quran and narrations. This research, focusing on the conceptual analysis of “Ishfaq” in verse 26 of Surah At-Tur, explores the concept of the word “Ishfaq” and its relationship with the family, as “Ishfaq” is a significant issue that can play a crucial role in achieving and strengthening family spiritual health. This article, using descriptive-analytical methods and library information collection, examines various interpretations of the verse. The research findings show that the interpretation of the verse oscillates between two main views; some, considering the preposition “fi” in the verse, interpret it as attention, care, concern, and compassion towards the family and their spiritual health, while others interpret “Ishfaq” as fear and dread of divine punishment in this world, with three views presented in this regard.

Keywords: Ishfaq, Compassionate, Fearful, Family.

-
1. 1 . Level 4 Student, Field of Comparative Exegesis, Specialized Seminary of Al-Zahra (Peace Be Upon Her) Bojnourd. Email: rhmanydrna@gmail.com
 2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles, Razavi University of Islamic Sciences. Email: alavi@razavi.ac.ir